

اثر حسن نیت در رفع مسئولیت کیفری از نگاه حقوق موضوعه ایران و هند^۱

احمد مرتضی^۲

لیلا داعی^۲

چکیده

در علم حقوق، حسن نیت در دو معنای «تصور اشتباه (جهل در قالب یک حالت روانی)» و «رعایت صداقت و اجتناب از نیرنگ و تقلب (تکلیف به ملاحظه طرف مقابل)» بکار می‌رود که از این میان، فقط معنای نخست حسن نیت، یعنی تصور اشتباه که جوهره تشکیل دهنده آن، «جهل» می‌باشد، قابل انطباق با مباحث کیفری است. در قوانین کیفری ایران، عنوان حسن نیت و نقش آن در زوال مسئولیت کیفری، مورد توجه ویژه قرار نگرفته و در قالب یک عنصر مستقل مطرح نگردیده است، بلکه می‌توان ابعادی از آن را در قاعده احسان که در ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به صورت مستقل، آمده است، مشاهده نمود. در مقابل، در قانون هند، قانونگذار هم در قانون مجازات و هم در قانون مقررات عمومی این کشور، با نگاهی متفاوت، به تعریف حسن نیت پرداخته و بیان می‌دارد، اساس حسن نیت، جهت رفع مسئولیت کیفری، دقت و توجه و رعایت جوانب احتیاط می‌باشد، این در حالی است که طبق مقررات عمومی هند، تنها، اعتقاد صادقانه، جهت رفع مسئولیت کیفری کافی می‌باشد، خواه از روی دقت و توجه باشد یا سهل‌انگاری. تحقیق حاضر که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی، صورت گرفته در صد پاسخ به این پرسش اصلی است که: در حقوق موضوعه ایران و هند، حسن نیت، چه تاثیری در مسئولیت کیفری افراد دارد؟ از دقت و تأمل در مواد مختلف قوانین کیفری ایران و هند، این نتیجه حاصل گردید که حسن نیت به مقتضای قلمرو کاربردی‌اش، به‌عنوان وجه مشترک بین غالب علل نسبی رافع مسئولیت و علل موجهه جرم، محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: حسن نیت، رفع مسئولیت کیفری، علل نسبی، تصور اشتباه،

حقوق موضوعه ایران، حقوق موضوعه هند.

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۸/۰۴/۱۲، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

۲- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی و استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز؛ نویسنده مسئول:

a.mortazi@tabrizu.ac

۳- کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تبریز

درآمد

امروزه اصل حسن‌نیت از جایگاه رفیعی برخوردار شده و از یک زینت اخلاقی به ضرورت حقوقی گام نهاده است وضعیت حسن‌نیت در حقوق کیفری ایران که بر پایه فقه امامیه می‌باشد تا حدودی مشابه آن دسته از کشورهای دارای حقوق عرفی است که اصل حسن‌نیت در آن‌ها به عنوان قاعده‌ای فراگیر و مستقل بحث نشده اما مصادیق، فروعات و جزئیاتی از حقیقت آن در جای جای فقه قابل مشاهده است (دیلمی، ۱۳۸۹، ۳۴). تأثیر اخلاق بر حقوق تا بدانجاست که اساساً حق را مفهومی نسبی کرده و در امکان استفاده از آن، لزوم توجه به محرک و هدف صاحب حق را مقّرر نموده است، به نحوی که «علم حقوق نمی‌تواند به مظهر خارجی اراده، قناعت کند بر همین اساس، نیت مشروع و اخلاقی، شرط درستی اعمال حقوقی می‌باشد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۵۹۸). در قانون مجازات‌ها، حسن‌نیت نقش مهمی ایفا نموده و معمولاً با حضور خود در بسیاری از موارد، نقش قاطع و تعیین‌کننده‌ای داشته و مسئولیت کیفری را رفع می‌نماید (Deo Gaur, 2009, 94).

با توجه به نگاه ویژه قوانین عرفی کیفری همچون قانون مجازات‌ها، به عنصر حسن‌نیت و نقش آن در رفع مسئولیت کیفری از افرادی که جرمی را با چنین قصد و نیتی مرتکب شده‌اند، بررسی این مسئله و تعیین ماهیت و قلمرو کاربردی آن در قانون‌ها در تطبیق با قانون مجازات‌ها، ضروری به نظر می‌رسد تا افزون بر طرح تعارضات موجود در قوانین کیفری‌ها، خلأهای موجود در قانون مجازات‌ها نیز آشکار و مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مبتنی بر شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و پرسش اصلی در این است که با توجه به وجدانی بودن عامل حسن‌نیت و جنبه اخلاقی آن، نقش آن در رفع مسئولیت کیفری به چه نحوی خواهد بود؟

۱. ماهیت کیفری حسن‌نیت از نگاه قوانین کیفری ایران و هند

علی‌رغم آنکه حسن‌نیت در اکثر نظام‌های حقوقی، شناخته شده و رعایت آن در قوانین برخی از کشورها مدوّن گشته است اما به سبب آنکه مفهومی است از کیفیات نفسانی که جنبه کمی ندارد و هر کس معنای خاصی از آن درک می‌کند،

ارائه معنا برای آن مشکل بوده، از این رو، شناخت مفهوم و ماهیت آن ضروری است (انصاری، ۱۳۹۱، ص ۵۹).

حسن نیت در نظام حقوقی ایران، معادل اصطلاح، good faith، در حقوق هندوستان می‌باشد که از زمان روم باستان وارد حقوق گردید و در حقوق جدید نیز در فرانسه با گسترش روابط بازرگانی در قرن شانزدهم میلادی، گرایش بیشتری نسبت به این اصل پدید آمد. (باریکلو، خزایی، ۱۳۹۰، ص ۵۷) «حسن نیت» و «رفتار منصفانه» به ترتیب، ترکیبی اضافی و وصفی است که در لغت به «نیک بودن نیت یا نیکی در نیت» و «رفتار از روی عدل و انصاف یا راستی و صداقت» معنا شده است. در مقابل دو اصطلاح یاد شده، «سوء نیت» و «رفتار ظالمانه» قرار دارد. (معین، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۳۵۵ و ج ۴، ص ۴۳۹۵؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۷۸۶۷ و ج ۱۳ ص ۱۹۱۲۶) همچنان که برای تحقق ضمان، اسبابی وجود دارد که در فقه از آنها به موجبات ضمان یاد می‌شود، بر پایه مبانی حقوق جزا، نیز، سوء نیت یا قصد مجرمانه، یکی از عوامل تحقق عنصر روانی جرم است. بدین معنا که اگر کسی علاوه بر اراده انجام دادن فعل مجرمانه، تحقق نتیجه آن را هم قصد کند، سوء نیت داشته و مرتکب جرم عمدی شده است، و در جرائم غیر عمد و شبه عمد هم، سوء نیت وجود ندارد (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰۴). بنابراین، مفهوم اصطلاحی حسن نیت از معنای لغوی‌اش دور نیفتاده که علت آن را می‌توان جنبه اخلاقی آن دانست و در حقوق نیز انتظار می‌رود افراد، با نیت خوب، با هم مرادده نمایند (انصاری، پیشین، ۶۱-۶۲). گفتنی است دو اصطلاح «حسن نیت» و «رفتارهای منصفانه» در قوانین مصوب ایران به کار نرفته است، اما با وجود این، به این دو اصطلاح در برخی از آثار حقوقی به طور ضمنی و اختصاری اشاره شده است و حسن نیت در برخی آثار حقوقی، براساس حقوق فرانسه تعریف شده است (لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۱۵، و ج ۲، ص ۱۶۶۱).

حسن نیت از دو نقطه نظر، یکی وجدان که تعبیر دیگر صداقت و درستی می‌باشد و دیگری حقیقت و اشتباه، که ناشی از تصوّر اشتباه یا باور غلط بوده و جوهره تشکیل‌دهنده آن جهل می‌باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ و اولین معنای حسن نیت عبارت است از تصوّر اشتباه، (انصاری، ۱۳۹۱، ص ۷۵) یا به تعبیر دیگر،

اعتقاد نادرست مبنی بر وجود وضعیتی قانونی، مرتب و قاعده‌مند. معنای دوم نیز عبارت از صداقت می‌باشد که حاکی از رفتار درست و صادقانه شخص می‌باشد که به طور مشخص اجرای تعهد مستلزم آن، برخورد درست و صادقانه می‌باشد (دیلمی، ۱۳۸۹، ص ۴۹-۵۰). بدین صورت، حسن نیت دارای دو معنای مهم می‌باشد که در یک معنا موجبات حمایت قانونگذار را فراهم می‌کند که به معنی تصور اشتباه می‌باشد و در معنای دیگر موضوع تعهد و یا به طور کلی منبع تعهدات تلقی می‌شود که همان برداشت صداقت و درستی از حسن نیت است (انصاری، پیشین، ص ۸۷-۸۸). با عنایت به مطالب بیان شده، بدیهی است که فقط معنای نخست حسن نیت، یعنی تصور اشتباه یا تصور خلاف واقع قابل بخشش، که جوهره آن را جهل تشکیل می‌دهد و جنبه‌ی حمایتی دارد، قابل انطباق با مباحث کیفری می‌تواند باشد.

۲. ریشه‌یابی اصل حسن نیت در حقوق کیفری ایران

گاهی عملی مجرمانه به تصور مفید بودن و با نیت خیرخواهی کردن و به اصطلاح فقها «احسان» انجام می‌شود، مثلاً دارویی به بیمار می‌دهند که او را شفا دهد ولی در اثر آن می‌میرد. در فقه از آن به عنوان «قاعده احسان» یاد کرده‌اند که از قرآن مجید گرفته شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۲۵۶). در حالت کلی، هرگاه شخصی عمل خسارت‌باری انجام دهد با ورود صدمه به دیگری، طبق اصل اولی، ضامن خواهد بود ولی بنا بر مفاد قاعده احسان، در صورتی که عمل انجام گرفته از سوی شخص، توأم با حسن نیت و به قصد مراقبت از دیگری و با انگیزه خدمت به او باشد ولی به طور اتفاقی موجب آسیب و ورود ضرر و زیان گردد، اقدام کننده ضامن نخواهد بود اگرچه در واقع به جلب منفعت برای آن انسان یا دفع مفسده و ضرر از او، منتهی نشده و به اصطلاح، احسان واقعی رخ ندهد. چون در این عمل هم قصد و نیت احسان کردن داشته و هم عملی که انجام داده مصداق کار نیک بوده است. کسی که بر اساس احساس وظیفه شرعی و احراز اذن شرع، اقدام به نجات غریق می‌کند و انگیزه و هدف او نجات شخص غریق، می‌باشد اگر به خاطر انجام این عمل و در راستای تحقق نجات غریق، فرضاً گوشه لباس او را پاره کند و یا

خسارت مالی یا زیان جانی بر او وارد آورد، ضامن تلقی نمی‌شود مگر آنکه ثابت شود در انجام این کار افراط و تفریط کرده و جوانب امر را رعایت نکرده است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰).

در فقه و حقوق به عمل عمومی یا ویژه جهت مساعدت به غیر، به قصد تبرّع، احسان گویند (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۱۰). به عبارت دیگر، مراد از احسان، فعل خداپسندانه و نیکی است که به انگیزه احسان و مطابق با واقع، در جهت مصلحت یاری‌شونده، بر دو محور جلب منفعت یا دفع ضرر، صورت گرفته باشد (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۷۴). بنابر تعریف فوق و با توجه به قیود آن می‌توان گفت: اولاً: در تحقق احسان به غیر از انگیزه، احسان واقعی نیز شرط است و باید فعل شخص محسن و نیکوکار، در عالم واقع نیز احسان تلقی شود، ثانیاً: هیچ معنی وجود ندارد که هم موارد و مصادیق جلب منفعت و هم مصادیق دفع ضرر را احسان بدانیم، بعلاوه فقها بر این باورند که اگر احسان با تمام شروط فوق، صورت پذیرد و در این راستا، به طور اتفاقی، بدون اینکه محسن تقصیری داشته باشد ضرری به محسن‌الیه وارد آید، در صورتی که ضرر وارد شده کمتر باشد، قدر متیقن این است که ضمانی نیست. بعنوان مثال: چنانچه شخصی مشاهده نماید خانه‌ای در معرض آتش‌سوزی قرار گرفته، لذا از باب احسان و کمک کردن لازم شود در اتاق خانه را بشکند تا طفلی که درون آن است را نجات دهد بدون تردید چنین فردی محسن و یاری‌رسان تلقی می‌شود و محسن‌الیه اقامه دعوی و تنظیم دادخواست و شکوائیه علیه او را ندارد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۹).

برای اثبات قاعده احسان در رفع مسئولیت احسان‌کننده به چهار دلیل (قرآن، سنت، اجماع و عقل) استناد شده است که از بین آنها، دلیل نقلی و عقلی مهم‌ترین سند حجیت، به شمار می‌آیند.

دلیل نقلی: دلیل عمده‌ی قاعده، بخشی از آیه ۹۱ سوره توبه است که خداوند در آن عدم مسئولیت احسان‌کنندگان (محسنین) را چنین توضیح می‌دهد، «ما علی المحسنین من سبیل و الله غفور رحیم» (سوره توبه، آیه ۹۱)؛ یعنی، بر افراد نیکوکار، هیچ سبیلی نیست [کنایه از اینکه مسئولیتی نیست] و خداوند آمرزنده مهربان است. بر اساس ظاهر آیه، افرادی که به قصد نیکی و احسان، کاری

انجام داده باشند، در جهان آخرت مؤاخذه نمی‌شوند. فقها بر این باورند که گرچه مراد از «سبیل» در آیه فوق، کیفر اخروی است. ولی عبارت «ما علی المحسنین من سبیل» اطلاق داشته، بیانگر این قاعده کلی است که هرگاه شخصی به انگیزه خدمت و احسان، باعث ضرر دیدن فرد دیگری شود، مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد. در تأیید قاعده احسان در رفع مسئولیت محسن، به پاره‌ای از احادیث و روایات نیز استناد شده که از جمله آن‌ها، می‌توان به روایتی که از امیرالمؤمنین (ع) منقول است اشاره نمود، ایشان فرمودند: «الجزاء علی الاحسان بالإسائه، کفران» (خوانساری، ۱۳۴۷، ص ۳۲۴)، یعنی پاداش احسان را به بدی دادن، نادیده گرفتن نعمت است. استدلال به حدیث فوق بر قاعده احسان چنین است که، مسئول دانستن محسن نسبت به اعمالی که به قصد خیر انجام داده، اسائه محسوب می‌شود و مشمول حدیث فوق است که به روشنی این حالت را ناپسند شمرده است.

دلیل عقلی: دومین دلیل دیگری که دلالت بر عدم ضمان شخص مُحسن دارد، حکم عقل می‌باشد به دلیل ملاک شکر منعم، این معنی از بدیهیات عقل است که به مُنعم نباید اسائه کرد. عقل مؤاخذه شخص نیکوکار را نسبت به احسانی که انجام داده، قبیح می‌داند، زیرا کار خوب شخص نیکوکار مصداق نعمت است و احسان کننده، منعم محسوب می‌شود و سپاس از منعم هم، امری پسندیده نزد خردمندان است. همچنان که ناسپاسی و کفران نعمت نزد آنان، کاری زشت و ناپسند است و تردیدی نیست که ضامن دانستن شخص نیکوکار، از آشکارترین نمونه‌های ناسپاسی از اوست (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۶).

۳. ریشه یابی حسن نیت در قانون مجازات هند

قانونگذار هند برخلاف ایران، به تعریف حسن نیت و عناصر و مصادیق آن پرداخته است. ماده ۵۲ قانون مجازات هند، در این خصوص، مقرر می‌دارد: «هرگونه اقدامی که شخص تحت عنوان، حسن نیت و یا با اعتقاد بر آن، انجام دهد، در صورتی که بدون دقت و توجه و رعایت جوانب احتیاط، صورت گرفته باشد، حسن نیت تلقی نمی‌شود.» همچنین، مطابق مواد ۷۶ و ۸۸ همین قانون، هرگونه عملی که شخص بنا به حسن نیت خود، معتقد باشد که بوسیله قانون موظف به انجام آن

شده، و یا هرگونه اقدامی که شخص جهت منفعت دیگری انجام دهد، اگرچه سبب ورود صدمه و خسارت بدان فرد شود، جرم نیست.

برای رفع مسئولیت کیفری، حسن نیت صرف، به معنای باور ساده و بدون اینکه زمینه‌ای برای این باور وجود داشته باشد، کافی نبوده بلکه قصد مذکور باید منطقی و معقول باشد؛ بنابراین، حسن نیت در عمل یا اعتقاد، مستلزم دقت، توجه و مراقبت نسبت به موضوع مورد نظر است. البته خود قانون نمی‌تواند در این راه مبهم، مقدار دقت و توجه را نشان دهد بلکه وجود یا فقدان حسن نیت در یک فرد، باید بر اساس موقعیت متهم و شرایطی که تحت آن، اقدام به انجام عمل نموده، مورد توجه و بررسی قرار بگیرد.

بدین ترتیب، دقت و توجه‌ای که در حسن نیت ملاک می‌باشد بر اساس جایگاه و موقعیتی که شخص در آن قرار می‌گیرد در موارد گوناگون، متفاوت می‌شود. از این رو، شخصی که ادعای حسن نیت می‌نماید، نباید صرفاً نشان دهد که نیت خوبی دارد، بلکه وجود چنان دقت و مهارتی بعنوان وظیفه‌ی منطقی است که می‌تواند موجب تبرئه او از کیفر و مجازات، شود. میزان دقت و مراقبت مورد نیاز هم، با میزان خطری که ممکن است از فقدان مراقبت، حاصل شود، متفاوت خواهد بود. بدین معنا که هر اندازه میزان خطر بزرگتر باشد به همان اندازه، مراقبت و احتیاط بیشتری را می‌طلبد (Morghan and Macpherson, Esqrs, 1860, 31). با عنایت به مضمون ماده ۵۲ قانون مجازات هند، چنین برمی‌آید که، تعریف حسن نیت در قانون مجازات هند، یک تعریف منفی است که در حقیقت حسن نیت را تعریف نمی‌کند بلکه به صورت سلبی، می‌گوید: «هرگاه عملی بدون دقت و توجه انجام یافته باشد، حسن نیت تلقی نمی‌گردد.» نکته قابل توجه دیگر اینکه، تعریف فوق، هیچ اشاره‌ای به عناصر اخلاقی صداقت و انگیزه نیکو که در معنای عام حسن نیت با آن مواجه هستیم، نکرده است. اما در قانون مقررات عمومی هند (General Clauses Act)، حسن نیت عبارت از، «اعتقاد صادقانه شخص به صحت عمل خود در واقع، خواه از روی غفلت و سهل انگاری صورت گرفته باشد یا نه.» البته اعتقاد صادقانه نیز به تنهایی کافی نبوده، بلکه باید زمینه و اساس منطقی و معقول داشته و صرفاً کورکورانه نباشد. عنصر صداقت طبق تعریف فوق، مبنای

حسن نیت را تشکیل می‌دهد در حالی که، در تعریف خود قانون مجازات، مورد اشاره واقع نشده است. از سوی دیگر، هرچند ممکن است انجام یک عمل صادقانه‌ی ابلهانه از روی حسن نیت طبق قانون مقررات عمومی هند، مورد معاف واقع شود، ولی نمی‌تواند در تعریف حسن نیت بر اساس قوانین کیفری هند، قرار گیرد، زیرا نبود حسن نیت در معنای ماده ۵۲، به معنای سادگی، بی‌دقتی و سهل‌انگاری، دقت و توجه و احتیاط را می‌طلبد که ناشی از عدم صداقت و درستی می‌باشد. (Deo, 194, 2009, Gaur) حسن نیت داشتن یا نداشتن کسی نیز، در عالم واقع، ملاک می‌باشد و اصلاً نیازی به این نیست که حسن نیت از نظر عقلانی و منطقی کاملاً لغزش‌ناپذیر و مصون از خطا و اشتباه باشد، بلکه در هر موردی، میزان رفتارها و اظهارات به دقت و توجه، و با مراجعه به شرایط عمومی، ظرفیت و هوش شخصی که حسن نیت او منظور است، در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، ممکن نیست یک شخص فرهیخته و تحصیل کرده، بدون دقت و توجه، رئیس شرکت شود ولی چنین چیزی ممکن است در یکی از زیر دستان وی قابل تصور باشد (Chandra roy, 54, 1933, 36, 1890, Starling). بنابراین با توجه به ضابطه حسن نیت، اقدام مأمور پلیس جهت بازداشت شخص بی‌گناه، بدون تحقیق مناسب مبنی بر مجرم بودن وی، یا اقدام پزشک فاقد تخصص به استفاده از قیچی معمولی به جای قیچی جراحی و فوت شخص در اثر خونریزی حاصل از آن، به دلیل سهل‌انگاری و فقدان دقت و توجه مورد نیاز، حسن نیت تلقی نشده و نمی‌تواند در رفع مسئولیت آن‌ها، نقش داشته باشد (Ranchhoddas and Keshavlal, 1920, 33-34).

۴. عناصر حسن نیت در حقوق کیفری ایران و هند

اکثر فقها و علمای معاصر حقوق، نسبت به امتنانی بودن قاعده احسان، اجماع نموده و معتقدند که احسان واقعی، شرط بوده و فقط اعتقاد به احسان، کافی نیست بلکه باید در واقع هم، عمل، مصداق احسان باشد و دفع ضرر صورت گیرد. زیرا آنچه از لفظ احسان فهمیده می‌شود همین معناست. البته برای تحقق عنوان احسان، قصد احسان نیز معتبر است و چنانچه آن فعل، فقط در واقع و عالم خارج، دفع ضرر بنماید، در تحقق لفظ احسان کافی نبوده و عرف، دلیل این مدعی است

(مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۷۶ - ۴۷۷ و جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۰). با توجه به نقش مهم دقت و توجه در حسن نیت، در صورت روشن شدن عدم وجود آن، قبل از اظهار به آن، ادعای حسن نیت با شکست مواجه خواهد شد. بعنوان مثال، تجویز داروی اشتباه از روی غفلت و سهل‌انگاری از جانب کسی که فاقد مجوز پزشکی است، جرم محسوب شده و چنین شخصی مسئول عواقب ناشی از عمل خود خواهد بود. بنابراین، قانون مجازات‌ها، عنصر صداقت را به لحاظ غیر مادی و معنوی مورد توجه قرار داده و بر این اساس، وجود دقت و توجه و قصد و نیت، بعنوان تنها معیار حسن نیت محسوب می‌شود (Deo Gaur, 2009, 94).

۵. ارتباط حسن نیت و احسان با علل زائل‌کننده مجازات

در برخی حالات، علی‌رغم اینکه فرد ظاهراً مرتکب جرم شده است، اما مجازات در مورد وی اعمال نمی‌گردد، که این عدم اجرای مجازات، ناشی از سه وضعیت حقوقی متفاوت می‌باشد که از آنها به علل زائل‌کننده مجازات تعبیر می‌کنند. وجه مشترک علل فوق، عدم اجرای مجازات نسبت به شخص می‌باشد (ساکی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱).

۵-۱. علل رافع مسئولیت کیفری

گاهی قانونگذار، عمل مجرمانه انجام یافته را به علت وجود شرایط و کیفیاتی که به شخص مرتکب جرم، مربوط می‌گردد، قابل انتساب به مجرم ندانسته و بر این اساس، ویژگی مذکور را رافع مسئولیت می‌داند. این قبیل کیفیاتی که مربوط به شخصیت مرتکب بوده و جنبه شخصی و ذهنی دارند به عوامل رافع مسئولیت کیفری موسومند، که عبارتند از، اشتباه، خواب و بیهوشی، جنون، اکراه و... (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶)، علل رافع مسئولیت، یا تام هستند یا نسبی. منظور از علل تام، علل و عواملی است که شخص، در صورت قرار گرفتن در آن، در تمام حالات و در تمام موارد، فاقد مسئولیت کیفری می‌گردد. مثلاً، کسی که مجنون است چه خواب باشد و چه بیدار، همیشه و مادام که مجنون است مسئولیت کیفری از وی زائل می‌شود. علل نسبی نیز، شرایط و اوضاع و احوالی است که شخص در صورت

قرار یافتن در آن، مسئولیت کیفری ضعیفی داشته و به طور کامل مجازات در مورد وی اعمال نمی‌شود، ولی مسئولیت مدنی دارد. مثل شخص خواب که تنها در صورت ارتکاب جرم در حالت خواب، مسئولیت کیفری ندارد ولی اگر چنانچه همان شخص در حالت بیداری مرتکب جرم گردد، مسئولیت کیفری داشته و مجازات می‌گردد (ساک، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳).

۵-۲. علل موجهه جرم

گاه قانونگذار در اوضاع و احوال خاصی که خود دقیقاً آن را تعیین می‌کند، رفتاری را که در وضع عادی جرم است را جرم نمی‌شناسد؛ یعنی آن وصفی که فعل یا ترک فعلی را جرم می‌سازد، می‌زداید، این اوضاع و احوال، اسباب اباحه یا جهات موجهه جرم نام دارد که عبارتند از: دفاع مشروع، رضایت مجنی‌علیه و... (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۴۷).

۵-۳. معاذیر قانونی

معاذیر قانونی معافیت از مجازات، معاذیری هستند که بواسطهٔ حدوث آنها به رغم وقوع جرم و بقای مسئولیت و انتساب بزه به مرتکب، بنا به رعایت برخی ملاحظات و مصالح، سیاست کیفری مقنن بر معافیت مرتکب از مجازات، قرار می‌گیرد. البته بدیهی است که معافیت متهم از مجازات پس از احراز مسئولیت و تقصیر متهم، بنا به نظر دادگاه می‌باشد (باهری، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴). مانند این که شخصی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کرده و در همان حال، زناکار یا همسرش و یا هر دو را به قتل برساند.

با عنایت به تعاریف صورت گرفته از علل زائل‌کنندهٔ مجازات، چنین به دست می‌آید که حسن‌نیت، نمی‌تواند تحت عنوان سبب مستقل محسوب گردد، چرا که هم در عوامل رافع مسئولیت و هم در علل موجههٔ جرم، عنصر تعیین‌کننده بوده و می‌توان رگه‌هایی از آن را مشاهده نمود. از این رو، حسن‌نیت بعنوان وجه مشترک بین علل نسبی رافع مسئولیت و علل موجههٔ جرم، محسوب گشته و سبب اصلی رفع مسئولیت کیفری از بزهکار جاهل و مضطر و مشتبه و مدافع و ...

می‌باشد. مثلاً، در صورت صدور حکم اشتباه از جانب قاضی، شارع با در نظر گرفتن قصد خدمت و حسن نیت وی، قائل به عدم مجازات وی می‌گردد.

۶. قلمرو کاربردی اصل حسن نیت از نگاه قوانین موضوعه ایران و

هند

قاعده احسان برای اولین بار در اصلاحیه قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به شکل ماده واحده گنجانده شد و صراحتاً بدان اشاره گردید، طبق ماده ۵۱۰ قانون فوق، «هر گاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری، رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است انجام دهد، و همان عملی که انجام می‌دهد موجب صدمه یا خسارت شود، در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ضامن نیست». ماده مزبور، استثنائی بر قواعد عام مسئولیت مدنی و کیفری محسوب می‌شود. منظور از انگیزه در قاعده احسان و ماده فوق، انگیزه ارتکاب جرم نیست، بلکه انگیزه فرد، نیکی و احسان به دیگری است و اقدامی که در این جهت از سوی شخص انجام می‌گیرد منجر به ورود صدمه و آسیب می‌شود (بخشی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۳۴۴).

قانون مجازات هند نیز، ادعای حسن نیت از طرف شخص را در مواردی به عنوان دفاع قانونی و عذر مشروع به رسمیت شناخته و مرتکب جرم را مورد حمایت قرار داده که در زیر بدانها اشاره می‌شود:

۶-۱. نقش حسن نیت در رفع مسئولیت کیفری از قاضی

مطابق ماده ۷۷ قانون مجازات هند، چنانچه قاضی در اجرای حکم قضایی هرگونه قدرتی را اعمال نماید یا از روی حسن نیت معتقد باشد که چنین قدرتی از طرف قانون به او محوّل شده است (اشتباه قاضی)، مجرم محسوب نمی‌شود. بر اساس این ماده، یک قاضی نه تنها در موارد اعمال غیر قانونی قدرتی که قانون به او داده، معاف از مجازات می‌باشد بلکه در مواردی که در باور خودش حسن نیت دارد که صلاحیت بیشتری دارد، در حالیکه هیچ قدرت قانونی به او داده نشده، نیز معذور است (Ranchhoddas and Thakore, 1948: 50; Chandra roy, 1933, 99).

بنابراین کسی که در یک مقام قضایی ایفای نقش می‌نماید چنانچه در صدور حکم چه نسبت به قانون و چه نسبت به واقعیت، دچار خطا یا اشتباه گردد مورد مجازات قرار نمی‌گیرد. روشن است که چنین معافیتی فقط در صورت ایفای نقش به عنوان مقام قضایی به وی اعطا می‌گردد نه در صورتی که خارج از حیطه خود فعالیت می‌نماید. بنابراین زمانی که بر اساس دادخواست تقدیمی، قضاوت می‌نماید، طبق قانون ۱۸۵۹، یک قاضی است، ولی در صورت داشتن نقش میانجی و واسطه، جهت کمک به طرفین، برای رسیدن به توافق، طبق قانون ۱۸۵۷، قاضی محسوب نمی‌گردد (Morgan and Macpherson, Esqrs, 1860, 55). قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مسئولیت قاضی را بدین شرح بیان نموده است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.»

تقصیر عبارت است از تجاوز و تخطی عمدی از وظیفه‌ای که قوانین و مقررات برای فرد موظف، مقرر داشته و اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی (تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲). منظور از اشتباه قاضی در موضوع بنابر ماده فوق، اشتباه موضوعی است چرا که اشتباه حکمی، یا ناشی از جهل به قانون است و یا ناشی از تفسیر نادرست آن، و جهل قاضی به قانون در واقع نوعی تقصیر است نه اشتباه. قصد و نیت، وجه تمایز تقصیر و اشتباه است زیرا تقصیر برخلاف اشتباه، گاهی با قصد و نیت اضرار به غیر توأم می‌باشد (مصلائی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵-۱۴۶). برای درک بهتر اثر اشتباه در رفع مسئولیت کیفری، تبیین انواع اشتباه در دو نظام حقوق کیفری ایران و هند، ضروری است.

در همین راستا باید گفت: اشتباه و جهل از یک نظر به دو نوع حکمی و موضوعی، دسته‌بندی می‌شود. حد اعلی اشتباه در مسائل قانونی، جهل است بدین معنی که پس از وضع و انتشار قانون، فرض حقوقی این است که عامه مردم از وجود آن مطلع شده‌اند. از این رو، اطاعت از قانون، واجب است و هیچ‌کس نمی‌تواند

مدعی جهل به قانون شود، و در صورت تقصیر و سهل‌انگاری درصدد آگاه شدن از آن، مسئول شناخته می‌شوند. از نظر حقوق جزا «اشتباه عبارت از تصور خلاف واقع مرتکب، نسبت به تشخیص حکم یا موضوع قانون یا ماهیت یا عناصر تشکیل دهنده جرم است که بر حسب مورد، قابلیت انتساب جرم را به مرتکب آن از بین می‌برد.» بنابراین از دیدگاه حقوق جزا، اشتباه ممکن است به صورت تصور خلاف واقع از وجود و چگونگی مواد قانونی و مقررات جزایی باشد (اشتباه حکمی) و یا اینکه تصور خلاف واقع نسبت به موضوع یا تشخیص ماهیت جرم ناشی شده باشد (اشتباه موضوعی) (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۴).

مطابق ماده ۱۵۵ ق.م.ا، «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه، تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم، شرعاً عذر محسوب شود.»

قاعده «جهل به قانون رافع تکلیف نیست» تکلیف قانون‌گذار نسبت به آگاهی دادن به شهروندان و رعایت قاعده «قانونی بودن جرم و مجازات» یعنی لزوم بیان احکام کیفری پیش از استقرار تکلیف، آگاه شدن از قوانین کیفری را برای عموم، تکلیفی متقابل ساخته است. لیکن این تکلیف نباید هیچ‌گاه برای مکلف غیر مقدور باشد. بنابراین در صورت عدم امکان حصول علم به قانون یا خروج فهم آن از قدرت انسان، نپذیرفتن جهل به قانون، ظالمانه خواهد بود. مانند کسی که در جایی دورافتاده زندگی می‌کند به نحوی که به هیچ وجه اطلاع از قانون برایش مقدور نیست (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۸۶).

مطابق موازین کیفری کشور هند، اشتباه در نقطه‌ای از قانون در یک پرونده جنایی، رافع مسئولیت نیست، یعنی کسی که از سن تشخیص و سلامت عقل برخوردار است در صورت نقض قوانین، مجازات خواهد شد. بنابراین، در پرونده‌های جنایی، اشتباه و جهل نسبت به قانون نمی‌تواند بعنوان یک عامل دفاع محسوب شود (Chandra roy, 1948:51).

اشتباه موضوعی یا اشتباه نسبت به واقع، به هنگامی است که انسان در نفس عملی که مرتکب می‌شود مشتبه باشد. اصل کلی بر این است که این اشتباه عنصر روانی را در جرایم عمدی زایل می‌کند ولی در جرایم خطایی چنین اشتباهی

به ظاهر بی تاثیر است. مثل این که شخص تیرانداز، انسان زنده‌ای را جسد یا حیوان یا انسان مهدورالدمی پنداشته و به او تیر زده باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴، ص ۳۶۳).

مواردی نیز پیش می‌آید که اشتباه نسبت به واقع و قانون، به طور همزمان صورت می‌گیرد؛ مثلاً در جایی که دو نفر، یکی تحت عنوان پلیس و دیگری به عنوان شهروند، دو نفر را که به دلایل موجه، مظنون به قتل شده‌اند را مورد تعقیب قرار داده و می‌کشند در این صورت اقدام پلیس به جهت حسن نیت و همچنین صلاحیت او از طرف مقام قضایی، موجه و مورد تأیید واقع می‌شود، ولی اقدام شهروند به دلیل عدم پذیرش عذر جهل به قانون، به هیچ وجه قابل پذیرش نیست (Chandra roy, 1933, 8).

۲-۶. نقش حسن نیت در رفع مسئولیت کیفری از مأمور قانونی

مطابق ماده ۷۶ قانون مجازات هند، انجام عملی به دلیل اشتباه از واقع و البته نه به دلیل اشتباه قانونی (جهل به قانون)، از روی حسن نیت و با این باور که شخص از طرف قانون، موظف شده تا چنین عملی را انجام دهد، جرم تلقی نمی‌گردد. مثلاً وقتی یک افسر دادگستری از سوی دادگاه، مأموریت می‌یابد که شخص «الف» را دستگیر نماید و پس از استعلام، از روی حسن نیت در باور خودش، گمان می‌کند که شخص «ب» همان شخص «الف» بوده و به همین منظور اقدام به دستگیری او می‌نماید، جرمی مرتکب نشده است (Barr Esquire, 1915, 14). این ماده، عذر قانونی شخصی است که عمل مجرمانه را تحت یک تصور غلط از واقعیت، مرتکب شده و از روی حسن نیت معتقد است که قانون چنین وظیفه‌ای به او محول نموده است (Ranchhoddas and Thakore, 1948, 49).

ماده ۱۵۹ ق.م.ا ایران مصوب سال ۹۲ نیز در خصوص مسئولیت کیفری مأمور قانونی در موارد تبعیت از امر غیرقانونی مافوق خود، مسئله را از دو منظر، یعنی وجود حسن نیت و فقدان آن، تفکیک داده و چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند، لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به

تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.» از مفاد این ماده، چنین می‌توان نتیجه گرفت که مأمور در صورت انجام امر قانونی مقام ذی‌صلاح خود، مسئولیت کیفری نخواهد داشت ولی در صورت غیرقانونی بودن دستوری که داده شده و اطلاع مأمور نسبت به این قضیه، آمر و مأمور، هر دو مسئولیت کیفری خواهند داشت اما اگر مأمور دچار اشتباهی شود که قابل قبول بوده و به تصور قانونی بودن امر مافوق خود، اجرا نماید، مسئولیت کیفری نداشته بلکه مسئولیت او فقط مدنی است.

منظور از مقامات رسمی در ماده مذکور، کلیه کارمندان دولت در محدوده وظایف خود است یعنی هر مستخدمی نسبت به کارمند مرئوس خود، آمر قانونی محسوب می‌شود. قابل قبول بودن اشتباه مأمور نیز، با توجه به عرف و عادات مردم، وضع خاص کارمند، سابقه کار، نوع مسئولیت، مقام، درجه سواد و معلومات اجتماعی، از سوی قاضی مورد تشخیص قرار می‌گیرد. بی‌تجربگی و عدم اطلاع مأمور نیز نقشی در رفع مسئولیت کیفری وی نداشته و مکلف به آشنایی با مقررات و اصول اداری است (مصلاهی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳).

بنابراین ماده ۱۵۹ در مقام بیان یکی از علل رافع مسئولیت کیفری یعنی «اشتباه» است نه علل موجهه جرم یا معاذیر قانونی، چرا که مطابق آن، ضمان مالی و دیه به عنوان مسئولیت مدنی همچنان به قوت خود باقی است (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲؛ مصدق، ۱۳۹۵، ص ۱۹۸ و ۲۰۰).

ناگفته نماند که مطابق ماده ۷۹ قانون مجازات هند، عملی که توسط شخص مورد تأیید قانون، و به دلیل اشتباه از واقع، و با این اعتقاد که توسط قانون مورد تأیید واقع شده که چنین عملی را انجام دهد، جرم محسوب نمی‌گردد. (Chandra roy, 1933, 50) مثلاً در زمان پادشاهی Waryam Singh، متهم با این تصور که شخص زنده نبوده بلکه یک روح یا شیء دیگر بوده، با ضربات متعدد چماق، اقدام به کشتن وی نماید، مسئول قتل نیست. بدین ترتیب چنین شخصی، طبق ماده ۷۹ از قانون مجازات هند، مورد حمایت قرار می‌گیرد (Gaur, 2013, 136).

۳-۶. نقش حسن نیت در رفع مسئولیت کیفری از موارد استعمال حق

هرگاه قانونگذار، حقی را برای فردی به رسمیت بشناسد، این امر، مقتضی آن است که راه و وسیله استفاده از آن حق قانونی و استعمال مشروع آن نیز قانوناً مُجاز باشد (نجیب حُسنی، ۲۰۰۶، ص ۲۲۴). حق تأدیب و درمان، از جمله‌ی این حقوق است. حال باید گفت: مقتن هندی در ماده ۹۳ قانون مجازات مقرر داشته است که «برقراری ارتباط از روی حسن نیت و به جهت نفع رساندن به طرف مقابل که به طور اتفاقی منجر به آسیب او در خلال چنین ارتباطی گردد، سازنده آن را مجرم نساخته و معاف از مجازات خواهد بود.» بعنوان مثال، یک پزشک متخصص از روی حسن نیت و با هدف نفع رساندن به بیمار، او را معاینه کرده و اینگونه تشخیص می‌دهد که بیمار زنده نمی‌ماند شخص بیمار در نتیجه شوک شنیدن این خبر فوت می‌کند، پزشک با اینکه می‌دانست چنین حرفی به احتمال زیاد منجر به فوت مریض می‌گردد ولی با این همه، جرمی مرتکب نشده و بنابراین مجرم تلقی نمی‌گردد (Ranchhoddas and thakore, 1948,67).

مطابق بند «الف» ماده ۲۹۱ ق.م.ا. مصوّب ۱۳۹۲، «هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایت عمدی می‌گردد، نباشد، در این صورت جنایت واقع شده شبه عمدی محسوب می‌گردد.» دکتر گلدوزیان با اشاره به این مطلب که، سلب حیات در قالب شبه عمد در شرایطی است که مرگ مجنی علیه، مورد نظر مرتکب فعل و صدمه نباشد، تفاوت بین قتل شبه عمد و در حکم شبه عمد را در این می‌داند که در قتل شبه عمد، فعل جانی، نوعاً سبب قتل نمی‌شود، بلکه به طور اتفاقی سبب قتل می‌شود، «مانند آنکه کسی را به قصد تأدیب و در مقام استعمال حق قانونی، به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد.» در حالی که در قتل در حکم شبیه عمد، فعل مرتکب ممکن است نوعاً کشنده باشد ولی اشتباه یا خطای ذهنی او به نحوی است که قانونگذار آن را در حکم شبیه عمد نامیده است، «مانند ارتکاب قتل به اعتقاد محاربه و مهدورالدم بودن.» (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۲۹۰)

۴-۶. نقش حسن نیت در رفع مسئولیت کیفری از مجرم مضطر

اضطرار در ارتکاب جرم، به معنی وضعیتی است که شخص برای حفظ جان یا مال یا حق خود یا دیگری، ناچار از ارتکاب جرم شود. ماده ۱۵۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، جرم اضطراری را با رعایت چند شرط، قابل مجازات ندانسته و در این خصوص مقرر می‌دارد، «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع، از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری، به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، قابل مجازات نیست، مشروط بر اینکه، خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد». رابطه احسان با اضطرار عموم و خصوص من وجه است بدین معنا که در برخی مصادیق با یکدیگر همپوشانی و اشتراك داشته و از طرفی، هر یک دارای مصادیق مخصوص به خود می‌باشد. مواردی که باعث سقوط مسئولیت می‌شود از جهت انطباق جریان قاعده احسان بر اضطرار است که باز هم به دلیل محسن بودن، فرد را مسئول نخواهیم دانست و نه به دلیل مضطر بودن و اضطرار داشتن، همچنین اگر فردی مضطر باشد اما محسن نباشد در این صورت، مسئولیت مدنی خواهد داشت (طباطبائی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵). در مجازات مجرم عمدی، سوءنیت بخش انفکاک ناپذیری است که فقدان آن، جرم را از عمد به غیرعمد تغییر می‌دهد. بحث سوءنیت، اگرچه در جرایم غیرعمدی مضطر، موضوعیت ندارد، اما در بسیاری از مصادیق اضطرار که افراد در آنها به صورت عمدی دست به نقض قواعد حقوقی می‌زنند، موضوعیت می‌یابد. در این جا جامعه باید در مورد مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری فردی تصمیم بگیرد که سوءنیتی در ارتکاب عمل مجرمانه نداشته و بلکه در بسیاری از موارد از جمله نجات دیگران، حسن نیت نیز داشته است. در چنین موردی حکم به مسئولیت و مجازات مضطر، نه تنها خلاف عدالت و اخلاق است، بلکه باعث خواهد شد که شهروندان در مواردی که اضطرار، دیگران را تهدید می‌کند، مرتکب عملی نشوند تا مبادا بعداً مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند و تنها زمانی از اضطرار استفاده نمایند که منافع خودشان در معرض خطر قرار گیرد (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۶).

شایان ذکر است که بر طبق ماده ۹۲ قانون مجازات هندی، هرگونه صدمه و

آسیبی که ممکن است شخص به قصد جلب منفعت دیگری، از روی حسن نیت و حتی بدون اعلام رضایت از طرف او، ایجاد کرده و شرایط شخص به نحوی باشد که ناتوان از رضایت دادن باشد و هیچ قیم یا سرپرست قانونی دیگری نداشته باشد که جهت منفعت دیگری، بتواند رضایت او را به دست آورد، جرم محسوب نمی‌شود. بنابراین این ماده شامل چهار استثنا می‌باشد که فقط در آن صورت، عمل اضطراری محسوب نمی‌گردد، اول اینکه، شخص نباید به عمد عملی انجام بدهد که منجر به سرعت مرگ شده و یا قصدش سبب ایجاد مرگ باشد. دوم اینکه، هرگاه شخص به منظور جلوگیری از مرگ یا صدمه شدید و یا به قصد بهبودی از هرگونه بیماری یا ناتوانی شدید، اقدام به انجام عملی نماید که می‌داند به احتمال زیاد باعث مرگ طرف مقابل خواهد شد. سوم اینکه، شخص به صورت داوطلبانه سبب قصد یا ایجاد صدمه شدید شود مگر اینکه چنین اقدامی به دلیل جلوگیری از مرگ یا صدمه شدید و یا بهبودی از هرگونه بیماری یا ناتوانی شدید باشد و چهارم اینکه، اقدام شخص نباید به قصد گسترش فتنه‌انگیزی ارتکاب هرگونه جرمی باشد (Barr Esquire, 1915, 19 و Ranchhodas and thakore, 1948, 66).

برای مثال، ببری به شخص «ب» حمله کرده و او را دنبال می‌کند و شخص «الف» علی‌رغم اینکه می‌داند به احتمال زیاد گلوله ممکن است باعث مرگ شخص «ب» شود با این همه برای نجات جان او، اقدام به شلیک می‌کند ولی هرگز قصد کشتن شخص «ب» را ندارد بلکه از روی حسن نیت و به منظور منفعت بردن او اقدام به چنین عملی می‌نماید در نتیجه در اثر گلوله‌ای که به سمت ببر شلیک کرده، زخم کشنده‌ای به شخص «ب» وارد نموده ولی با این وجود او مرتکب جرمی نشده است (prannath saraswati, 1915, 16 و ayne, 1860, 78).

ماده ۴۹۷ قانون مجازات ایران نیز در این رابطه مقرر می‌دارد، «در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.» منظور از موارد ضروری، مواردی است که معالجه بیمار فوریت دارد و ممکن است تأخیر برای گرفتن اجازه باعث مرگ بیمار شود (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۷۳).

برآمد

احسان مفهومی حقوقی و حسن نیت از جمله عناصر تشکیل دهنده آن می‌باشد و مجرای عملکرد حسن نیت در رفع مسئولیت و ضمان، ناشی از احسان می‌باشد. از مطالعه تطبیقی اصل حسن نیت در قوانین موضوعه ایران و هند چنین حاصل گردید که اولاً، در قوانین کیفری ایران، هیچ ماده‌ای به صورت مستقل، به حسن نیت اختصاص نیافته است که این خود یک خلأ قانونی محسوب می‌شود، ثانیاً با تتبع در آراء فقهاء، روشن شد که در منابع فقهی بیشتر از قاعده احسان سخن به میان آمده است. با توجه به اینکه مبنای حقوق کیفری ایران، فقه امامیه می‌باشد، قانون‌گذار نیز با تأسی از این امر در اصلاحیه ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، برای اولین بار قاعده احسان را بعنوان ماده واحده در آن گنجانده که این خود تحولی شگرف در حیطه حقوق کیفری می‌باشد تا از این طریق پاره‌ای از قواعد اخلاقی جهت حفظ نظم عمومی، مورد حمایت قرار گیرد. ثالثاً، فقدان مسئولیت کیفری در عوامل نسبی رافع مسئولیت و همینطور اسباب اباحه جرم، ریشه در احسان و حسن نیت شخص داشته به نحوی که، احسان و حسن نیت عنصر تشکیل دهنده تمامی عوامل نسبی رافع مسئولیت و اسباب موجهه جرم محسوب شده و وجه مشترک بین عوامل فوق می‌باشند. در جای جای قوانین کیفری هند نیز هر کجا صیحت از حسن نیت به میان آمده، قانونگذار در صورتی از مجرم رفع مسئولیت کرده که حسن نیت وی توأم با دقت و توجه و مراقبت باشد نه اینکه از روی غفلت و سهل‌انگاری باشد در حقوق ایران نیز قانونگذار احسان و خیرخواهی شخص را در صورتی موجب معافیت او از مجازات قرار داده که، مقررات و نکات ایمنی رعایت شده باشد که این خود حاکی از همان دقت و توجه مطلوب و مورد نظر در حسن نیت، ولی به بیانی دیگر می‌باشد. با این همه، پیشنهاد می‌گردد که در اصلاحات بعدی قانون مجازات اسلامی، قانونگذار ایران «حسن نیت» را به عنوان مهمترین اصل حقوقی، مورد توجه بیشتر قرار داده و با اختصاص یک مبحث مستقل به آن، همسان قاعده درأ، علاوه بر ارائه تعریف جامع و مانع از آن، شرایط دقیق رفع مسئولیت کیفری بر مبنای حسن نیت را جهت زمینه‌سازی برای اتخاذ وحدت رویه در میان قضات، فراهم سازد.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱ و ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- انصاری، علی، *تئوری حسن‌نیت در قراردادها*، تهران، جنگل، جاودانه، ۱۳۹۱.
- انصاری، مسعود، *دانشنامه حقوق خصوصی*، ج ۱، تهران، انتشارات محراب، ۱۳۸۴.
- باهری، محمد، *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- باریکلو، علیرضا، خزایی، سیدعلی، *اصل حسن‌نیت و پیامدهای آن در دوره پیش قرارداد (با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه)*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۳۹۰، ۷۶.
- بخشی‌زاده، امین، *محشای قانون مجازات اسلامی*، انتشارات عصر اندیشه، ۱۳۹۲.
- بهرامی احمدی، حمید، *قواعد فقه*، ج ۱، تهران، امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، ج ۲ و ۳، چ ۱، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، چ ۱۵، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- حسینی مراغی، سیدمیر عبدالفتاح، *العناوین الفقهیه*، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۱۷.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، ۱۳۴۷.
- خامنه‌ای، سیدمحمد، *تقریرات درس سیدمحمد خامنه‌ای*، تهران، تک، ۱۳۹۴.
- دیلمی، احمد، *حسن‌نیت در مسئولیت مدنی*، چ ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، ج ۶ و ۱۳، چ ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

- ساکی، محمدرضا، *دوره مقدماتی حقوق جزای عمومی* (با لحاظ لایحه جدید مجازات اسلامی)، چ ۱، تهران، جنگل، جاودانه، ۱۳۸۷.
- شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، چ ۶، تهران، ۱۳۷۵.
- طباطبائی، سیدحسین، *قاعده احسان و مجرای آن در نظام حقوقی ایران*، جستارهای فقه و حقوق، سال اول، ش دوم، ۱۳۹۳.
- غلامی، علی، *عوامل مانع مسؤولیت کیفری*، تهران، امام صادق(ع)، ۱۳۹۱.
- کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۱، تهران، سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- گلدوزیان، ایرج، *محتسای قانون مجازات اسلامی*، چ ۱، تهران، مجد، ۱۳۹۲.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن، *القواعد الفقهیه*، ج ۴، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
- میرمحمد صادقی، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*، ج ۱، چ ۲۰، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- مصلائی، علیرضا، *قانون مجازات اسلامی در نظام جزائی کنونی (حقوق جزای عمومی)*، تهران، ناشر: اتحاد، چ ۱، ۱۳۸۰.
- مصدق، محمد، *شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی*، ج ۱، چ ۲، تهران، انتشارت جنگل، جاودانه، ۱۳۹۵.
- معین، محمد، *فرهنگ معین*، مدرسی دارالهیجره، ج ۱، ۱۴۰۹.
- نجیب حسنی، محمود، *التشريع الجنائی الإسلامی*، مصر، دارالنهضة، ۲۰۰۶ م.
- نوربهاء، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶.
- ولیدی، محمدصالح، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، تهران، جاودانه، ۱۳۸۸ ش.

- Starling, M. H, *The Indian penal code*, pp 36,1890
- Pundit pranath saraswati, M. A, B. L, *Students Indian law code*, pp 16, 1894
- Chandra roy, Dinesh, M. A, B. J, *The Indian penal code*, pp 50- 51- 54- 96- 98- 99- 101- 133- 144- 519, 1933
- Cranenbuegh, D. E, *The Indian penal code*, pp 39, 1887
- A. D. C. Barr Esquire, j. c. s. *The Marwar penal code 1914*, pp 14, 73, 1915
- Mayne, ESQ, John.D, *Commentarlis on the Indian penal code*, pp 78, 85, 261, 288, 1860
- Morgan,W, Macpherson, A. G, A. Esors, *The indian penal code*, pp 55, 57, 251, 801,1861
- Ranchhoddas, Ratanlal, B. A, LLB, Keshavlal Thakore, B. A, *The indian penal code*, pp 33, 34, 49, 50, 66, 67, 231, 267, 404, 405, 406, 1948
- Cranenbuegh, D. E, *The Indian penal code*, pp 39, 1887
- Gaure, K. D, Textbook on The Indian penal code, pp 94, 136, 174, 596, 2009

The Effect of Good faith on Elimination Criminal Responsibility of Individuals from the Point of view of the Iranian and Indian Legislation

Ahmad Mortazi

Leyla Daei

In the science of law, good faith is used in the two meanings of “misconception” and “observing honesty and avoiding fraud and deception. Among these, only the first meaning of good faith, the misconception that the essence of that ignorance, is compatible with Criminal matters.” In Iran’s penal code, the title of good faith and its role in the deterioration of criminal responsibility has not been paid special attention and has not been addressed in the form of an independent element, but it can be measured in terms of the rule of Ehsan in clause 510 of the CE. Approved in 1392, it appears independently. Code of Criminal Procedure of the country, with a different look, it defines the good faith, the basis of good faith is to Elimination criminal responsibility, careful attention and observance of caution aspects. Due to the precision and reflection on the various materials of the Iranian and Indian penal codes, it was concluded that good faith, in accordance with its territory of application, Sometimes it is partly due to the cause of elimination of criminal responsibility and sometimes as the corollary of the crime.

Keywords: Goodwill, Criminal responsibility, Relative Causes, Misconception, Indian law